

چراغانی ویتترین خالی

جلال الدین رفیع فر (سردبیر) *

۱- به تازگی یک بار دیگر بحث کهنه و تکراری «مردم شناسی بهتر است یا انسان شناسی!» توسط برخی از همکاران برای چند دهمین بار مطرح شده و این بار با استناد به درج یک آگهی در یک روزنامه‌ی اوایل دهه ۵۰ و صورتجلسه‌های مربوط به انجمن اصطلاحات علوم اجتماعی که در سال ۱۳۴۹ با حضور برخی از اساتید برجسته دانشکده علوم اجتماعی از جمله محمود روح‌الامینی، نادر افشارنادری، مهدی ثریا و جامعه‌شناسانی چون غلامحسین صدیقی، باقر ساروخانی، عبدالحسین نیک‌گهر، غلامعباس توسلی، فیروز توفیق، مهدی امانی و ... برگزار شده است. در این جلسات اصطلاحات مربوط به واژه (anthropology) و مشتقات‌اش مورد بحث قرار می‌گیرد و پیشنهادهای از طرف بعضی از اساتید از جمله مهدی ثریا و فرنگیس اردلان برای معادل‌سازی این اصطلاحات در زبان فارسی پیشنهاد و به بحث گذاشته می‌شود و در نهایت پس از بررسی اسناد و پیشنهاد کلمات «انسان، آدم، بشر»، بجای (anthropos)، تنها چند اصطلاح از مشتقات این رشته که تعدادشان به انگشتان دست هم به زحمت می‌رسد و تعدادی اصطلاح در حوزه خویشاوندی و چند واژه دیگر معادل سازی و به تصویب می‌رسند. برحسب صورتجلسه‌ها برخی از واژه‌ها و اصطلاحاتی که در ارتباط با رشته مردم شناسی به تصویب رسیده‌اند به شرح زیر است:

بشر (homo)، بشریت (humanity)، بشرنما (hominide)، انسان شناسی جسمانی،

* استاد دانشگاه تهران

(physical anthropology)، انسان‌شناسی فرهنگی (cultural anthropology)، سیاسی، اقتصادی و مردم‌شناسی معادل اتنولوژی و تعدادی هم اصطلاحات مربوط به نظام خویشاوانی از جمله اصطلاحاتی هستند که در این جلسات معادل‌سازی و به تصویب رسیده‌اند. بقیه مشتقات این رشته مثل روستایی، عشایری، شهری، هنر، دین، زبان، نظریه‌ها، موسیقی و بسیاری دیگر بلا تکلیف رها شده‌اند! بگذریم که مردم‌شناسی به عنوان معادل اتنولوژی نیز یک اشتباه فاحش است، زیرا اتنوس به معنی قوم است و نه مردم و این دو واژه مخصوصاً در علوم اجتماعی دو معنی کاملاً متفاوت دارند! در این یادداشت قصد ورود به بحث مفصل درست یا غلط بودن این معادل‌سازی‌ها را نداریم، چرا که بارها در فرصت‌های مختلف به این موضوع به طور کامل و مفصل پرداخته شده است و تکرار آن ضرورتی ندارد.^۱

قابل ذکر است که تصویب اصطلاح انسان‌شناسی به تنهایی، به عنوان معادل آنتروپولوژی در هیچ یک از مصوبات مشاهده نمی‌شود!! (صورتجلسه‌ها موجوداند). البته این کار این‌حُسن را داشت که بالاخره یک‌بار برای همیشه این موضوع روشن شد که این انجمن هیچگاه اصطلاح انسان‌شناسی را به عنوان معادل آنتروپولوژی نپذیرفته و فقط برخی از مشتقات آنرا پذیرفته است که به آن‌ها اشاره کردیم.

اینکه کسانی بعد از مدت‌ها که نظرات مختلف توسط «صاحب نظران» درباره این اصطلاح هم گفته شده و هم نوشته شده و خود از نتیجه آن باخبرند را دوباره مطرح می‌کنند، واقعا جای سؤال ندارد؟ کسانی که با طرح سؤال «مردم‌شناسی بهتر است یا انسان‌شناسی؟» که آنقدر تکراری شده، که در دوره‌های دانشجویی هم به اسباب تمسخر و خنده تبدیل شده است! واقعا چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ ظریفی به طنز می‌گفت اگر با همین فرمان جلو برویم روزی می‌رسد که در قالب موضوع انشاء دانش‌آموزان دبستانی هم مشاهده شود!

۱. «مردم‌شناسی مظلوم واقع شده است» خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۲

«فراز و نشیب تالیف آثار تخصصی انسان‌شناسی» فصلنامه نقد کتاب علوم اجتماعی، ۱۳۹۵ ش ۱۰

مقدمه کتاب «مبانی نظری مردم‌شناسی» انتشارات خجسته . تهران. ۱۳۹۷

آیا بهتر نبود به جای این جار و جنجال‌های بی‌فایده به مشکلات موجود این رشته که بیشتر محتوایی و آموزشی هستند، فکر می‌کردیم و راه حل پیشنهاد می‌دادیم؟ قصد اگر پُرکردن ویتربین خالی دُکان دو نبش «انسان‌شناسی و...» با این گونه موضوعات نخ نما شده است که بعضی باز کرده‌اند تا به جایی و یا ... برسند، بدانند که این راه بن بست است! چرا با طرح این گونه سؤالات در وضعیت فعلی از ورود به بحث‌های بنیادین و کاربردی این رشته طفره می‌روییم و صورت مسئله را پاک می‌کنیم؟! چرا به جای پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی مربوط به این رشته دانشجویان را با بحث‌های انحرافی این چنینی سرگرم می‌کنیم و آدرس غلط می‌دهیم؟ آیا بهتر نیست از انجام تحقیقات شبه «مقاطعہ کارانه» که تنها کاربردش پُر کردن کشوی میز کارفرما برای روز مباداست دست برداریم؟ یا از تشکیل سخنرانی‌ها و برپایی سمینارهای عمدتاً نمایشی بی‌دربی، یک روزه و یا نصف روزه با سه چهار سخنران «همیشه در صحنه!» و متخصص در همه امور که با هدف بالا بردن آمار و کسب امتیاز برگزار می‌شود خودداری کنیم، و پا در راه یک مردم‌شناس که به رشته‌اش اعتقاد دارد و برای حفظ حرمت و ارزش‌های بی‌بدیل آن بی‌وقفه تلاش می‌کند بگذاریم، تا قدمی در راه پیشرفت و اعتلای این رشته مهم برداشته باشیم؟ استفاده از کلمه مردم به جای انسان برخلاف نظر برخی، نه ضربه‌ای به این رشته می‌زند و نه زیانی برای این رشته داشته است. بیشترین ضربه و زیان زمانی به این رشته وارد می‌شود که تدریس درس‌های تخصصی آن به افراد غیرمتخصص سپرده می‌شود و صدای کسی در نمی‌آید! آن چه برای این رشته زیان‌آور است قبل از هر چیز استدلال‌های ضعیف و بی‌پایه و اساس بعضی از افراد غیر متخصص است که درباره این رشته و نام آن اظهار نظر می‌کنند! مگر یادمان رفته که تنها یک نامه کارشناسی نشده که چند سال پیش از طرف یکی از مدیران سابق در دفاع از اصطلاح انسان‌شناسی به وزارت علوم ارسال شد، بدلیل ضعیف بودن دلایل و استدلال‌های بی‌پایه و اساس، نه تنها باعث تمسخر و تحقیر رشته شد بلکه به تائید و تصویب اصطلاح مردم‌شناسی نیز منجر گردید! ضربه و زیان زمانی به این رشته وارد می‌شود که دانشگاه‌های پُرشماری در سراسر کشور بدون داشتن

هیات علمی متخصص مدرک لیسانس و فوق لیسانس و دکترای مردم‌شناسی صادر می‌کنند و یا استادان غیراستادار و غیرمتخصص، راهنما و یا داور پایان‌نامه‌های دکتری می‌شوند و کسی اعتراض نمی‌کند.

به راستی استناد کردن به یک صورت جلسه ۵۰ سال پیش و اصرار به پذیرفتن بی چون چرای مصوبات دست و پا شکسته آن، برای ورود به یک بحث قدیمی بی انتها، آیا می‌تواند کار خردمندانه‌ای تلقی شود؟! اگر به قدمت و سابقه است که مصوبات از آن قدیمی‌تر هم داریم که مردم‌شناسی را مترادف با آنتروپولوژی دانسته‌اند. مثلاً در سال ۱۳۱۶ که بنگاه مردم‌شناسی و موزه مردم‌شناسی تاسیس می‌شود، در جلسه افتتاحیه، مرحوم فروغی (ذکاء الملک) سخنرانی می‌کند و می‌گوید «مردم‌شناسی به شرحی که بیان کردیم از علوم تازه است و هنوز راه درازی دارد تا به کمال نزدیک شود و طبیعی است که کمال علم مردم‌شناسی، از این راه دست می‌دهد که در هر کشور و میان هر قوم مردم‌شناسی خصوصی آن کشور و آن قوم تنظیم شود و...» یا فقط در یک صفحه از کتاب مبانی مرحوم روح الامینی پدر مردم‌شناسی علمی ایران، تنها هفده بار از اصطلاح مردم‌شناسی استفاده شده است (صفحه ۱۱). لازم به یاد آوریم که این کتاب هنوز پر فروش‌ترین کتاب مبانی است که در دانشگاه‌های سراسر کشور تدریس می‌شود و همچنین محمود روح الامینی از جمله کسانی بود که در همان جلسات مورد اشاره حضور داشته و علت اینکه در نوشته‌هایش تا آنجا که توانسته از اصطلاح انسان‌شناسی دوری کرده و فقط در مواردی که به بحث‌های مرتبط به «انسان‌شناسی جسمانی» می‌رسد از اصطلاح انسان‌شناسی استفاده کرده است؟! و یا کتاب دکتر حشمت‌اله طیبی که مربوط به سال ۱۳۷۱ (چ ۱) با عنوان «مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی» است و نه انسان‌شناسی! و در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده و بایستی به چاپ دهم هم رسیده باشد! پس به نظر می‌رسد که اختلاف نظر بر سر این اصطلاح از

۱. محمود روح الامینی (۱۳۶۸) «مبانی انسان‌شناسی، گرد شهر با چراغ» انتشارات عطار. تهران

۲. حشمت‌اله طیبی (۱۳۷۱) «مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر». انتشارات دانشگاه تهران.

ابتدا وجود داشته و مسئله جدیدی نیست، که اگر قرار بود مصوبه مورد اشاره در دانشکده علوم اجتماعی توسط همه پذیرفته شده باشد، الان شاهد این مناقشات نبودیم! یا در وزارت میراث فرهنگی و... همچنان از ابتدا تا امروز از اصطلاح مردم شناسی استفاده می‌شود و به همین دلیل ما «پژوهشکده مردم شناسی» داریم و نه «پژوهشکده انسان شناسی»! و قبل از انقلاب هم در وزارت فرهنگ و هنر سابق مجموعه‌ای تحت عنوان «مرکز مردم شناسی ایران» وجود داشت که در راس آن محمود خلیقی بود و در زیر مجموعه‌اش مردم شناسان نام آشنایی چون علی بلوکباشی، هوشنگ پورکریم، محمد میرشکرایی، کاظم سادات اشکوری، باجلان فرخی، مصطفی صدیق، هدایت‌اله زرنانی، محمد شریف کمالی، محمد اسدیان خرم آبادی، اصغر کریمی، پرویز ادکایی، جابر عناصری، اصغر عسگری خانقاه، محسن میهن دوست، جعفر قنواتی و بسیاری دیگر که همگی صاحب تالیفات بیشماری هستند، همگی مردم شناسی را از انسان شناسی ارجح دانسته و غالباً در مقابل «physical anthropology» از اصطلاح انسان شناسی جسمانی استفاده کرده‌اند. پس می‌بینیم که این بحث و این مناقشه چیزی نیست که با فتوای یک نفر یک شبه تغییر کند.

۲- اصطلاح انسان شناسی، اصطلاحی است که بیشتر در ادبیات حوزه‌های علمیه مورد استفاده داشته و دارد. این اصطلاح با ورود برخی از روحانیون سرشناس به عنوان استاد در دانشکده‌های الهیات، ادبیات، حقوق و... در همان اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه به طور جدی تری به ادبیات دانشگاهی وارد می‌شود و شاید هم برای جلوگیری از خلط شدن مباحث و دیدگاه‌هاست که عده‌ای استفاده از اصطلاح مردم شناسی را به انسان شناسی ترجیح می‌دهند. البته تمایل به استفاده از واژه انسان بجای مردم در بین افرادی که تفکرات اُمّنیستی نسبت به مفهوم انسان را دنبال می‌کند و نه مفهوم فرهنگی که از انسان می‌شناسیم تا حدودی شایع تر است. البته نباید فراموش کنیم که واژه «انسان» ریشه در زبان‌های سامی دارد، در حالیکه واژه «مردم» ریشه در زبان‌های هند و ایرانی دارد که یکی از شاخه‌های هند و اروپائیت و فارسی ناب و شناسنامه دار است. در حال حاضر هم کسانی که دانسته و یا ندانسته سنگ جایگزین کردن نام انسان شناسی بر

مردم‌شناسی را به سینه می‌زنند شاید نمی‌دانند عقبه این مسئله چه بوده است و شاید هم به همین دلیل است که عده‌ای زیربار این تغییر نام نرفته‌اند. حتی علی بلوکباشی که یکی از چهره‌ی نام‌آشنای مردم‌شناسی است در مقدمه کتاب تاریخ انسان‌شناسی (۱۳۸۷) به صراحت می‌گوید که او هم اصطلاح مردم‌شناسی را مناسب می‌داند. و یا استاد جواد صفی نژاد که یکی از سرشناس‌ترین و پُرکارترین مردم‌شناسان کشور بشمار می‌رود، با سابقه قریب به هفتاد سال کار پژوهشی و برنده ده‌ها جایزه علمی- پژوهشی که بعضی از آن‌ها بهترین کتاب سال و یا بهترین پژوهش سال و جوایز بسیاری از این دست بوده است، در هیچ یک از نوشته‌هایش از اصطلاح «انسان‌شناسی» استفاده نکرده است! گذشته از این در این بحث ظرافت‌هایی وجود دارد که نمی‌شود به سادگی از کنار آن گذشت. مثلاً چگونه می‌شود به «مردم دنیا و یا مردم ایران گفت انسان دنیا و یا انسان ایران! و یا بجای مردم نگاری گفت انسان نگاری و نمونه‌های پُر شماردیگری از این دست ...» تا به توان مفهوم مورد نظر را به درستی بیان کرد؟ و شاید هم بدلیل همین ظرافت‌ها و پیچیدگی‌ها بوده که انجمن فوق‌الذکر نتوانسته به جای آنتروپس معادل انسان را برگزیند و به یک جمع‌بندی نهایی برسد و در نهایت به استفاده از هردو واژه «مردم و انسان» برحسب موضوع و مورد به توافق رسیده‌اند، که زیاد هم غیرمنطقی به نظر نمی‌رسد و شاید نوشته‌های مردم‌شناسان آن زمان دلیلی بر این مدعا باشد که به برخی از آن‌ها اشاره کردیم.

۳- بحث تبادل نظر درباره این موضوع بعلت مهم و دقیق بودن نیاز به شرایط خاص دارد: اول فضایی آرام و خارج از تنش که متاسفانه در حال حاضر این فضا وجود ندارد. این دوستان بدانند که با استفاده از فنون شناخته شده‌ی مغلطه و سفسطه در این بحث ظریف و تخصصی کارشان به جایی نمی‌رسد و فقط وقت تلف کرده‌اند. متاسفانه طرفین مباحثه هریک بدون در نظر گرفتن ضوابط علمی که شرط اول اش فروتنی و احترام گذاشتن به نظرات مخالف است، هر یک می‌خواهند هرطور که شده حرف خود را به کرسی بنشانند! بدون شک در چنین فضایی که

۱. توماس هیلد اریکسن، فین سپورت نیلسن (۱۳۷۸) «تاریخ انسان‌شناسی از آغاز تا امروز» تهران. نشر گل آذین

بیشتر فضای مخاصمه است تا تفاهم و همدلی، هیچوقت نتیجه مطلوب بدست نمی‌آید و همچنان ما شاهد این مجادله‌های لفظی و خسته کننده خواهیم بود. بنابراین ابتدا لازم است شرایط یک بحث علمی با سعه صدر طرفین مناظره ایجاد شود، سپس هر طرف مستندات و استدلال‌های خود را بیان کند تا بشود به یک جمع بندی رسید. تازه اگر هم نرسیم هیچ اشکالی ندارد، هر صاحب نظری حق دارد از نظر خودش پیروی کند و هر جا لازم بود آن را چه به صورت شفاهی و چه مکتوب ایراد نماید. لازم به ذکر است که هیچ مصوبه ای ابدی نبوده و نیست و هر لحظه می‌تواند در صورت لزوم تغییر کند و چیز جدیدی جایگزین آن شود. مصوبه ۵۰ سال پیش که اخیراً برای چندمین بار یک بار دیگر موضوع بحث قرار گرفته، هم مثل بسیاری از مصوبات دیگری تواند هر وقت لازم بود تغییر کند، خصوصاً آنکه از همان اول هم مورد اعتراض بوده و عده‌ای زیر بارش نرفته‌اند و حتی در خود دانشگاه تهران هم به طوری که ملاحظه شد پذیرش عمومی نداشته و مورد استفاده همه قرار نگرفته است.

نکته آخر اینکه لازم است کسانی که می‌خواهند وارد این بحث شوند حتماً تحصیل کرده این رشته باشند. متأسفانه در بعضی از موارد دیده شده کسانی به خود اجازه ورود به این بحث را می‌دهند که دو واحد «مبانی مردم شناسی به زبان ساده!» را هم پاس نکرده‌اند! و فقط با نشان دادن حالات مختلف انگشتان‌شان قادرند نظری را تأیید یا تکذیب کنند و نه بیشتر! بدیهی است مصوبات فرهنگستان هم تا زمانیکه از نظر مردم شناسان واجد شرایط و خیره به شرحی که اشاره شد استفاده نشود، فاقد هرگونه اعتبار خواهد بود.

«پایان»